



شیوه های مقابله با نفوذ دشمن در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم

حمیدرضا حسین پور^۱، کبری حسین پور^۲

^۱دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی^۲دانشجو کارشناسی دانشگاه امام خمینی قم

Gmail: hamidrezahossinpoor.1382.1@gmail.com

چکیده

نفوذ بیگانگان و دشمنان در جامعه اسلامی؛ سابقه ای به وسعت تاریخ صدر اسلام دارد. با مطالعه در کتاب ها و مقاله های تاریخی متوجه میشویم از گذشته تا کنون منافقان؛ کفار و دشمنان جامعه اسلامی در تلاش بوده اند تا به نحوی راهی را برای تحت تاثیر قرار دادن فرهنگ؛ عقاید؛ سیاست و اقتصاد و... جامعه اسلامی پیدا کنند. مطالعات انجام شده در حوزه اجتماعی-فرهنگی بیان کننده این است که نحوه نفوذ دشمنان به دو صورت انجام میگردد اول از راه جنگ سخت دوم از راه جنگ نرم در زمان حال نسبت به گذشته متداول است زیرا زمانی که دشمنان توان رویارویی مستقیم ندارند با استفاده از روزنه و ضعف جوامع اسلامی به صورت غیر محسوس؛ پنهانی و کم هزینه توطئه خود را اعمال می کنند اما در این میان قرآن کریم و ائمه اطهار با نگاهی ویژه به مسئله نفوذ و اقسام و انواع آن پرداخته اند و بررسی های صورت گرفته نشان داد که در قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار به موارد مانند: تقویت بنیه نظامی و رصد فعالیت های دشمن، صبر و تقوای هوشمندانه، اعلام صریح انزجار و بیزاری از دشمن، وحدت آحاد جامعه دینی، جلوگیری از بهانه جویی های دشمن، آشنایی با ادبیات بیگانه، ترویج گفتمان دشمنستیزی میان مردم همراه با بصیرت افزایی، جلوگیری از تفوق فرهنگی اهل کتاب در جامعه ای دینی، تقویت خودباوری و حس اعتماد به نفس در بین مردم و ... به عنوان راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ دشمن اشاره شده است.

روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه کتابخانه ای و مروری است. مطالب جمع آوری شده برگرفته از کتاب ها، پایان نامه های دانشگاهی و همچنین سایت های پژوهشی اعم از پورتال علوم انسانی، نورمگز، اس آی دی و حوزه علمیه است و در صد توضیح و پاسخگویی به مسائلی از قبیل: مفهوم شناسی نفوذ، علت و چرایی نفوذ و راهکارهای مقابله با نفوذ در جامعه اسلامی است. کلیدواژه های جهت سرچ عبارت بودند از: دشمن شناسی، نفوذ، توطئه، جامعه اسلامی، مقابله

مقدمه

دشمنان هر نظام و مکتبی (اعم از دینی و غیر دینی)، بر آن اند تا برای ضربه زدن و اجرایی ساختن سیاست های خصمانه خود، طرح ها و نقشه هایی را سامان داده و رقیبی که اندیشه ها و آرمان هایش با منافع آن هادر تضاد است را از صحنه خارج کنند. جامعه اسلامی به جهت اندیشه های ضد استکباری، آرمان های عدالت خواهی، حمایت از مستضعفین جهان و حفظ سیاست استقلال خواهی و همچنین برنامه های صلح آمیز و... با دشمنانی از خارج و داخل که منافعشان نه تنها منطبق با اسلام نیست، بلکه در جهت مخالفت



آن است مواجهه بوده، هست و در آینده نیز خواهد بود. بر طبق مفاد آیه شریفه (وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (آیه ۷۵/سوره آل عمران) و آیه شریفه (وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَادِيَ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ) (آیه ۱۲۰/سوره بقره) نفوذ از صدر اسلام مطرح بوده و مسلمانان و جامعه اسلامی تا کنون هیچ وقت در مقابل آن مصون نبوده اند و دشمنان سعی در نابودی آن داشتند (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شِيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ) (آیه ۱۱۲/سوره انعام). براساس آیات قرآن کریم برگشتن مسلمانان از دین اسلام و همرنگ شدن با کفار، آرزوی قلبی کفار بوده است و اگر راهی پیدا کنند و به مسلمانان دسترس داشته باشند از دشمنی دریغ نخواهند کرد (إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ) (آیه ۲/سوره الممتحنه) و نیز آنان تا برگرداندن مسلمانان به آیین کفرآلود خود از پا نمی نشینند (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ) (آیه ۱۳/ابراهیم). جامعه اسلامی در منطقه و جهان به طور طبیعی در معرض تهدید قرار دارد و قدرت های استکباری در راس آنها کشور های غربی چشم طمع بر کشورهای اسلامی دارند و به همین خاطر بی شک به دنبال راه های تسلط جدیدی خواهند بود، باید آگاه بود دشمنان برای پیش برده اهداف خود راه های متعددی را برمی گزینند. گاهی دشمنی آن ها به صورت مستقیم و آشکار و علنا اعلام جنگ می کنند که به آن جنگ سخت گفته می شود، گاهی به دلیل ناامیدی از رویارویی مستقیم به دلیل اتحاد مردم و قوی بودن فرهنگ جامعه مقابل مانند هشت سال دفاع مقدس کشورمان، دشمنی آشکار خود را کنار گذاشته و با چهره منافقانه، لباس دوستی یا بی طرفی بر تن می کنند در عین حال دشمنی خود را حفظ کرده، از راه های دیگری برای اعمال نفوذ در طرف مقابل استفاده می کنند که به آن جنگ سخت می گویند (روح الامینی (۱۳۹۴) ج ۱، ص ۴۸) که سابقه ای به اندازه خلقت آدمی دارد و بیشترین نفوذ در جامعه اسلامی از این نوع بوده است براساس وقایع تاریخی در ابنا بشر از همین روش استفاده شده است، هنگامی که ابلیس لعین در حضرت آدم و حضرت حوا (ع) نفوذ کرد، مسئله جاودانگی انسان و ملک شدن آن ها را مطرح نمود که نقطه ضعف آن ها بود (فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَائِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ) (آیه ۲۰/الاعراف) در یک نگاه کلی میتوان دریافت مهمترین عاملی که دشمن را در رساندن به اهداف و اعمال تاکتیکهایش جهت نفوذ یاری میدهد، استفاده از نقاط ضعف طرف مقابل است و همین موضوع، راه را برای نفوذ دشمن باز میکند. در زمان حال نفوذ در جامعه اسلامی به صورت امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... می باشد که عمدتاً بر مبنای پارادایم های جنگ مدرن استوار است. قرآنی ائمه اطهار در رابطه با نفوذ گوش زد کرده اند، بی تردید مراجعه به قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار در مقابله در مسیر مقابله با نفوذ دشمنان نقش موثری داشته است و خواهد داشت.

معنی لغوی نفوذ

نفوذ در لغت به معنای رخنه، داخل شدن، راه یافتن نهانی، اثر کردن، سرایت، راهیابی، جاری شدن، تحقق یافتن، اعتبار، قدرت و توانایی آمده است. (فرهنگ نامه های فارسی، دهخدا، معین، عمید) البته معانی اخیر معانی مجازی واژه و به عنوان لوازم و آثار سرایت و نفوذ به کار برده می شود؛ زیرا شخصی که در قلوب مردم نفوذ کرده است، دارای اعتبار و سپس قدرت و توانایی می شود. در عربی واژه نفوذ به معنای رخنه کردن، رسوخ کردن، اجرا شدن، گذشت و گذر کردن، تمام شدن و به پایان رسیدن آمده است. (المنجد و لسان العرب ذیل واژه نفوذ) همچنین «نفذ الامر» به معنای اجرای کاری است و تنفیذ به معنای اجرایی کردن، هدف زنی و انجام



کاری آمده است. در قرآن این واژه به کار رفته است. خداوند می فرماید: **یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السماوات و الارض فانفذوا لاتنفذون الا بسطان**؛ ای گروه جنیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید و گذر کنید، پس رخنه و گذر کنید، ولی جز با به دست آوردن تسلطی، رخنه و گذر نمی کنید. (الرحمن، آیه ۳۳)

علامه طباطبایی این نفوذ را با توجه به سیاق مربوط به زمان آخرت و قیامت گرفته و گفته است: مراد از استطاعت، قدرت است و مراد از نفوذ از اقطار، فرار از کرانه های محشر است؛ زیرا کلمه اقطار جمع قطر به معنای ناحیه است؛ و معنای آیه این است که: این گروه جن و انس، اگر توانستید از حساب و کتاب قیامت بگریزید، این شما و این نواحی آسمان ها و زمین، ولی به هر طرف بگریزید بالاخره به ملک خدا گریخته اید و شما نمی توانید از ملک خدا درآئید و از مواخذه او رها شوید. گفتنی است اینکه خداوند جن را در آیه جلوتر از انس آورده، برای این است که طایفه جن در حرکات سریع، تواناتر از انسان است. اینکه فرمود: **«لاتنفذون الا بسطان»**؛ یعنی قادر بر نفوذ نخواهید بود، مگر با نوعی سلطه که شما فاقد آن هستید؛ و منظور از سلطان، قدرت وجودی است. البته در قرآن سلطان به معنای برهان و یا مطلق حجت است و نیز سلطان به معنای ملک نیز آمده است. بعضی از مفسرین (روح المعانی، ج ۲۷، ص ۱۱۲) گفته اند: مراد از نفوذی که در این آیه نفی شده، نفوذ علمی در آسمانها و زمین و دستیابی به اقطار آن دو است و نتیجه گرفته اند که آیه شریفه پیشگویی از این آینده است که روزی بشر قدرت نفوذ علمی پیدا می کند و به اقطار آسمان ها دست می یابد، لیکن همانطور که ملاحظه فرمودید: سیاق آیه با این معنا سازگار نیست؛ چون در آیات گفت و گو درباره قیامت است و در وسط چنین گفت و گویی، ناگهان به مسئله ای از مسائل دنیا پرداختن درست به نظر نمی رسد (المیزان، ذیل آیه ۳۳ سوره الرحمن)

اما نفوذ در اصطلاح علوم نظامی به معنای ورود به مکانی به وسیله چیرگی و غلبه و پیشروی آشکار و نهان است. قرآن بیان می کند که ذوالقرنین برای دفاع در برابر حملات یاجوج و ماجوج، یک دیوار دفاعی از آلیاژ آهن و مس گداخته در میان دره ای از دو کوه ساخت که قابل نفوذ نبود. خداوند می فرماید: **فما استطاعوا ان یظهروه و ما استطاعوا له نقبا**؛ پس نه توانستند بر آنها بالاروند و نه آن را سوراخ کنند و رخنه ای ایجاد نمایند. (کهف، آیه ۹۷) اما در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، نفوذ به معنای «راه یافتن پنهانی در گروهی یا جایی به منظور «هدفی» است. (فرهنگ عمید، ذیل واژه) این هدف شامل تاثیر گذاشتن، ضربه زدن، قدرت یابی، اعتباریابی، اطلاعات گیری و مانند آن انجام می گیرد.

اصطلاح نفوذ در کاربرد قرآن

چنانکه دانسته شد، در قرآن نفوذ به معنای مصطلح سیاسی، اجتماعی و نظامی آن نیامده است، بلکه به معنای لغوی آن به کار رفته است، اما با توجه به مفهوم اصطلاحی پیش گفته در چارچوب تفسیر قرآن به قرآن و بهره گیری از مفاهیم قرآنی می توان دریافت که این اصطلاح در قرآن با الفاظ و جملات دیگری بیان شده است. به عنوان نمونه از همین آیه ۹۷ سوره کهف، می توان مفهوم اصطلاحی نفوذ در حوزه نظامی را به دست آورد. بدین معنی که مردم یا دولتی برای جلوگیری از تجاوز دیگران، استحکاماتی را بنا کنند که دیگران نتوانند به هیچ شکلی از آن عبور کرده و به مقاصد و اهداف خود دست یابند.

انواع نفوذ و نفوذی ها

از نظر قرآن نفوذی ها به چند گروه تقسیم می شوند:

۱- **نفوذی های نظامی**: این گروه با نفوذ در جامعه اسلامی درصدد خرابکاری نظامی و جاسوسی نظامی و مانند آن هستند. خداوند می فرماید: **لو خرجوا فیکم ما زادوکم الا خبالا و لاوضعوا لخالکم بیغونکم الفتنة و فیکم سماعون لهم والله عليم بالظالمین**؛ اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی افزودند و به سرعت خود را میان شما می انداختند و در حق شما فتنه جویی

می کردند و در میان شما جاسوسانی دارند که به نفع آنان اقدام می کنند و خدا به حال ستمکاران داناست. (توبه، آیه ۴۷) واژه سماع به معنای شنودکننده است. شنودکنندگان کسانی هستند که در میان افراد جامعه به عنوان یک شهروند زندگی می کنند و در همه نقاط حساس اجتماعی از مراکز نظامی و اقتصادی و مدیریتی، حضور می یابند و به کسب اطلاعات و فتنه انگیزی مشغول می شوند و برای دشمنان کار می کنند و نقاط ضعف و قوت جامعه را در اختیار دشمنان قرار می دهند.

۲- نفوذی های اقتصادی: سماعون للكذب اكالون للسحت فان جاووك فاحكم بينهم او اعرض عنهم و ان تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً و ان حكمت فاحكم بينهم بالقسط ان الله يحب المقسطين؛ پذیرا و شنوای دروغ هستند اولاً بسیار مال حرام می خورند. پس اگر نزد تو آمدند، آیا میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد. (مائده، آیه ۴۲) از این آیه به دست می آید که گروهی از افراد اجتماع به عنوان جاسوس اقتصادی عمل می کنند و بر آن هستند تا با نفوذ در مراکز قدرت و تصمیم گیری اجتماع چون مجلس و قوه اجرایی و نظامی و قضایی، مال حرام کسب کرده و به قدرت اقتصادی خویش بیفزایند. اینان به ظاهر دنبال عدالت هستند، ولی از آن گریزان بوده و به هر شکلی بر آن هستند تا مسئولان و رهبران را دور بزنند و با کسب اطلاعات از مراکز گوناگون، مالی را به ظلم به دست آورند. واژه سحت که در این آیه به کار رفته در اصل به معنای واماندگی و استیصال است، و چون از نظر قرآن مال حرام موجب استیصال و ریشه کنی حرام خوار می شود، سحت به معنای مال حرام به کار رفته است؛ (مجمع البیان، ذیل آیه) در حقیقت با اشاره به ملزوم یعنی مال حرام، لازم آن یعنی نابودی و ریشه کنی به عذاب الهی قصد می شود.

۳- نفوذی های فرهنگی: از همین آیه ۴۲ سوره مائده می توان نقش و کارکرد نفوذی های فرهنگی را به دست آورد. خداوند در آیه به پیامبرش می فرماید: آنان که به سخنان تو خوب گوش می سپارند تا بهانه و دستاویزی برای حق ستیزی و دروغ انگاشتن پیام خدا و پیامبرش بیابند و برآنند که از زبان تو دروغ بسازند و پخش کنند. پس یکی از کارهای نفوذی ها، کسب همه گونه اطلاعات به شکل بسیار دقیق و کامل است تا بتوانند با تحلیل آن، عناوین و یا مطالبی را بیابند که برای شبهه افکنی و ایجاد تشویش در جامعه مفید باشد. آنان درصدد هستند تا نقص و تضاد و اختلافی را در پیام های رهبر جامعه یافته و آن را برجسته ساخته و با دروغ همراه سازند و علیه فرهنگ دینی مردم به کار گیرند. تحریفگری بویژه تحریف معنوی با حذف ظاهر کلمه و جمله از مهم ترین راه هایی است که نفوذی ها از آن سود می برند. هدف نفوذی ها در این حوزه آن است که فرهنگ جامعه را متاثر ساخته و آن را به سمت و سویی که دوست دارند هدایت کنند. تهاجم فرهنگی دشمن نیازمند بهره مندی و تحلیل دقیق از فضای فرهنگی و افکار و اندیشه های رهبری و مسئولان جامعه و استفاده ناروا از آن برای تغییر فرهنگ است.

۴- نفوذی های سیاسی: نفوذی های سیاسی به هدف ضربه زدن به موقعیت رهبر جامعه فعالیت می کنند. از این رو، اتهام زنی و دروغ بستن به رهبری و مسئولان در حوزه های مختلف چون اقتصادی، جنسی، سوء مدیریت، عدم کارآمدی و مانند آن مدنظر قرار می گیرد. در ادامه بحث به آیات آن اشاره می شود.

۵- نفوذی های اعتقادی: گروه های نفوذ اعتقادی به هدف تغییر اعتقاد و فلسفه زندگی یک فرد یا گروه و یا ملت عمل می کنند. خداوند در این باره فرموده است: ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می ورزند، تو را غمگین نسازند چه از آنان که با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم»، و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود، و چه از یهودیان: آنان که به سخنان تو گوش می سپارند تا بهانه ای برای تکذیب تو بیابند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نیامده اند، خبرچینی و جاسوسی می کنند، کلمات را از جاهای خود



دگرگون می کنند و می گویند: «اگر این حکم به شما داده شد، آنا را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید.» و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی آید. اینانند که خدا نخواستند دلپایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (مائده، آیه ۴۱)

از نظر قرآن، نفوذی ها یک جریان علیه حق و در خدمت شیاطین استکباری هستند. نفوذی ها همان راه و روشی را در پیش می گیرند که ابلیس مستکبر در پیش گرفت و بر آن است تا انسان را از مسیر حق و عدالت بیرون برد. ابلیس مستکبر سوگند خورده و گفته است: **قال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض و لاغوینهم اجمعین**؛ گفت: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می آریم و همه را گمراه خواهیم ساخت. (حجر، آیه ۳۹)

اهداف نفوذ

در آیات قرآن اهداف چندی برای نفوذی ها بیان شده است. این اهداف در راستای تغییرات اساسی در حوزه عقاید و رفتارها است تا جامعه در همان مسیری قرار گیرد که آنان مدنظر قرار داده اند. دو هدف اصلی که قرآن برای نفوذ و نفوذی ها بیان کرده است عبارتند از:

۱- تغییر حاکمیت و حکومت: جریان نفوذ همه تلاش خود را می کند تا حاکمیت و حکومت را تغییر دهد. این تغییر گاه همراه با حذف و گاه با تغییر عقاید و افکار و گاه با تغییر در مسئولان و رهبران همراه است. به این معنا که گاه با ترور فیزیکی شخص رهبر، بر آن هستند تا حکومت و حاکمیت تغییر یابد، چنانکه با ترور حضرت موسی(ع) و نیز پیامبر(ص) بر آن بودند تا این تغییر حاکمیت و حکومت رخ دهد؛ و گاه با حفظ رهبری با استفاده از انواع حربه تزویر و تهدید و تشویق و اغواگری درصدد برمی آیند تا اصول اساسی فکری و رفتاری رهبری یا رهبران تغییر یابد. خداوند به پیامبر(ص) هشدار می دهد که نباید گوش به حرف های کسانی دهد که به عنوان دلسوزی خواستار تغییر مواضع رهبری هستند. خداوند می فرماید: و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری کن و از هواپیشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش مبدا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند. پس اگر پشت کردند، بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره ای از گناهانشان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند. (مائده، آیه ۴۹) پس دشمن بر آن است تا با تغییر برخی از مواضع رهبر جامعه که حق و براساس آموزه های وحی است، زمینه را برای اهداف نفسانی خویش و رسیدن به مقاصد دنیوی خود فراهم آورد. همین مطلب نیز در آیه ۳ سوره اعراف مورد تاکید است.

خداوند بیان می کند که چگونه سامری به عنوان یک نفوذی بر آن شد تا حکومت و حاکمیت را از دست حضرت هارون به عنوان خلیفه موسی(ع) بیرون برد و مردم را تحت حکومت خود درآورد. چنانکه می فرماید: و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و [موی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. [هارون] گفت: «ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نموده بود که مرا بکشند پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده.» (اعراف، آیه ۱۵۰)

از نظر قرآن سامری یک نفوذی از جرگه شیطان و تحت ولایت او بود، که به جای خداپرستی، گوساله پرستی را نهادینه کرد و جامعه توحیدی موسوی را به بیراهه کشاند. هدف او سلطه بر مردم بود و از همین رو حکومت و حاکمیت خلیفه واقعی را از وی می گیرد و حتی تلاش می شود که در صورت عدم حذف حکومت و حاکمیت، حذف فیزیکی انجام شود و او را به طور کامل از صحنه خارج سازد. خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده بیان می کند چگونه جریان نفوذ بر آن است تا برای رسیدن به مقاصد خود حتی به حذف فیزیکی رهبر و ترور وی رو آورد. خداوند می فرماید: ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر این کار را نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی کند.



در منابع تفسیری و تاریخی و سیره ها آمده است که گروهی از منافقان به عنوان جریان نفوذ بر آن بودند که حکومت و حاکمیت را از خاندان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بیرون برند از همین رو، دست به ترور پیامبر(ص) زدند تا نگذارند پیامبر(ص) به ابلاغ پیام الهی درباره جانشینی و خلافت اقدام کند. (مجمع البیان، شان نزول آیه و دیگر منابع تفسیری)

۲- تغییر فلسفه و سبک زندگی: از دیگر اهداف نفوذی ها، تغییر فلسفه و سبک زندگی اسلامی و قرآنی است. آنان بر آن هستند تا گفتمان خود را بر فرد و گروه و یا جامعه تحمیل کنند و گفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون نمایند. خداوند به پیامبر(ص) درباره تلاش نفوذی ها در این باره می فرماید: و هرگز یهودیان و مسیحیان از تو راضی نمی شوند، مگر آنکه از کیش و آئین آنان پیروی کنی. بگو: «در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است.» و اگر پس از آن عملی که تو را حاصل شد، باز از هوس های آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت. (بقره، آیه ۱۲۰)

برخی استعمالات قرآنی در برابر نفوذ:

علاوه بر ارتباط لغوی و معنایی برخی کلمات با واژهی «نفوذ»، برخی واژگان در قرآن کریم هستند که معنایی مقابل معنای نفوذ میدهند. برخی از این اصطلاحات عبارت اند از:

سَدّ

«سَدّ» به معنای مانع و حاجز بین دو شیء است و «السّداد» یعنی هر چیزی که به وسیلهی آن خلأئی را مسدود نمایند. بستن شکاف و شیشهی دارو و برطرف کردن حاجت از جملهی آن است (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۸۹۷ و ۲۹۱۴، ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۵۳).

رَدَم (رَدَم)

«رَدَم» معنایی نزدیک به «سَدّ» دارد، با این تفاوت که «رَدَم» بازدارندهتر و شدیدتر است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۲۰). قرآن کریم نیز از اقدام ذوالقرنین در خصوص قرار دادن سَدّ در مقابل یا جوجوماً جوج به قرار دادن «رَدَم» تعبیر نموده است. (الکهف: ۹۵)

حَصَن

"بهجای امن که مانع نفوذ خطر است «حِصْن» گویند. «أحصنه» یعنی او را حفظ کرد. «مُحَصِّن» نگهدارند و «مُحَصِّنَةٌ» نگهداشته شده از طرف عقل یا شرع یا سرپرست یا همسر است. زن «مُحَصِّنَةٌ» یعنی زن حفظ شده پاکدامن" (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف، ج ۱۸، ص ۲۹۳)

عَزَز (عزیز)

عزیز به انسان نفوذناپذیر گویند. به زمین بسیار سخت که نتوان آن را با بیل و کلنگ، به آسانی کند، «ارض عزاز» گویند. کسی که با متاع دنیوی، مقام، منصب و شهرت بتوان در او نفوذ کرد عزیز نیست. مؤمن عزیز است، زیرا نمیشود او را با تطمیع و تهدید از پای درآورد و در او نفوذ کرد. او (انسان مؤمن) این عزت را از سیره عملی امام خویش فرا گرفته که



مورد خطاب واقع شده که «کنت کالجبل لاتحرکه العواصف» «کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۵؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۹، «ب»، ص ۳۷۶).

صَمَم

قرآن کریم میفرماید: «صُمَّ بَكْمَ عُمَىٰ فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ» (البقرة 18). "اصل «صمم» به معنی سد و بستن است. «صَمَّ القارورة» به معنای بسته شدن درب شیشه است. از این رو به کسی که فاقد حس شنوایی است اصم میگویند (زیرا صدا و صوت در گوش او نفوذ نمیکند)" (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۵۳).

راههای نفوذ و برخورد دشمن (راهکارهای دشمن در مقابله با مسلمانان) :

به طور کلی سیاست اصولی دشمن برای مبارزه با مسلمان، مستمر و دائمی است اما همیشه از یک شیوه استفاده نمی کنند به عبارت روشنتر جنگ و عناد دشمنان همیشه شکلی ثابتی نداشته است و شیوه های مختلف و متنوعی را برای پیکار و از پا درآوردن حریف خود، متناسب با اوضاع و شرایط مبارزه به کار می برند، اصولی را برمی گزینند و به عنوان خط مشی کلی بر مبنای آنها راهکارها و مراحل عملیات را برای دستیابی به مقصد خود برنامه ریزی می کنند. به یقین، شیوه های مبارزه دشمنان سیاسی با دشمنان ایمانی از هم متمایز می باشد، هرچند هر دو هدف واحدی را دارند و آن به اسارت کشیدن انسان است و پر واضح است که باید شیوه های تدافعی هم در مورد این دو دسته با هم فرق داشته باشد. شیوه های مبارزه دشمنان ایمانی در بحث مربوط به نفس و شیطان، بعضی از همسران و فرزندان بعضاً مطرح شد اما درخصوص دشمنان سیاسی گفتنی است به طور کلی روشهای دشمنان در دشمنی خودبا- مسلمان درسه گروه قابل تقسیم بندی است :

الف) شگردها و شیوه های مبارزه ی دشمنان بارهبران دینی.

ب) شگردها و شیوه های مبارزه ی دشمنان برای تضعیف مبانی مکتب اسلام.

ج) شگردها و شیوه های مبارزه ی دشمنان با پیروان مکتب توحیدی.

الف) شگردها و شیوه های مبارزه ی دشمنان با رهبران دینی:

در طول تاریخ ادیان الهی، رهبران امت های توحیدی بیش از همه ی امور دیگر مورد حمله ی دشمنان قرار گرفته اند چون رهبری در نظام توحیدی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از این رو دشمنان، تمام تلاش خود را در دشمنی بارهبری دینی به کار می گیرند. قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید دارد.

البته باید دانست که شیوه هایی که دشمنان اسلام برای مبارزه با رهبر حکومت اسلامی که از قدرت نفوذ و تأثیر در جبهه سیاسی و اجتماعی برخوردار است به کار می برند همیشه به یک شکل ثابتی نیست، بلکه به تناسب زمانها و مکانهای مختلف، تاکتیک و شیوه های متناسبی را اختیار می کنند. این روش ها از منظر قرآن کریم عبارت است از:

۱- ایجاد تردید و ابهام در بین مردم نسبت به حقانیت رهبری: قرآن کریم، بیان می کند که دشمنان برای ایجاد تردید در حقانیت رهبران، ایرادهای واهی مطرح می کنند تا از این طریق مسلمانان را نسبت به رهبرانشان بی اعتماد کنند و از این طریق بر آنها تسلط یابند.

۲- شکستن قداست رهبری با استفاده از حربه تهمت و افتراء: دشمنان، در صورت عدم توفیق در مرحله ی قبلی، وارد مرحله ی دوم



می‌شود، از آنجا که دشمن همیشه برای رسیدن به اهدافش به هر وسیله‌ی ممکن دست می‌زند و کاری به این که آن وسیله مشروع باشد یا نباشد، ندارد زیرا به نظر او هدف، وسیله را توجیه می‌کنند. آیات قرآن کریم و صفحات تاریخ گواه بزرگی بر این فساد اخلاقی و حرکت خائنانه دشمن است. نمونه‌هایی از این تهمت‌ها و افترااتی که قرآن کریم به آن اشاره کرده، از این قرار است:

(الف) دگرگون کننده‌ی عقاید مردم (ب) آشوب‌گر و فتنه انگیزه (ت) شاعری دیوانه و افسونگر (ج) دروغگو و کاذب (خ) گمراه و منحرف (د) سرچشمه‌ی همه‌ی ناکامی‌ها و بدبختی‌ها (ر) ضعیف و ناتوان (ز) عامل زیانکاری جامعه (س) فریبکار و مزور (ش) دست پرورده‌ی اجانب دانستن (ص) رهبران سخنان نامفهوم و بی‌محتوای گویندو...

۳- تضعیف دستیاران رهبر و تشکیلات رهبری:

دشمنان، پس از اینکه در روش و شیوه‌ی قبلی به نتیجه نرسیدند، در این مرحله به تضعیف دستیاران و پیروان و تشکیلات رهبری پرداختند، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلًا وَمَا تَرَاكَ تَتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ...» (هود/۲۷)

۴- تحقیر و استهزای رهبری:

8

یکی دیگر از شیوه‌های دشمنان، تحقیر و استهزای رهبری است، این شیوه از عادت و سنت همیشگی و جاریه‌ی مجرمین است.

۵- بدلسازی و رهبر تراشی

۶- تطمیع رهبری

۷- تهدید رهبری: این شیوه، آخرین حربه و شیوه دشمن در مبارزه با رهبران دینی است، دشمن وقتی که با شیوه‌های ترور شخصیت رهبری به مقصد خویش نرسید، به تهدید رهبری می‌پردازد، قرآن کریم کیفیت به کارگیری دشمنان از این حربه را به گونه‌های مختلفی را بیان می‌کند که ذیلاً بررسی می‌شود:

(الف) تهدید به زندان «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَيْهَا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء/۲۹)

(ب) تهدید به تبعید «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شَعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مَلْتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ- كُنَّا كَارِهِينَ» (اعراف/۸۸)

(ج) تهدید به شکنجه «قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یس/۱۸)

(د) قتل و ترور «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»- (آل عمران/۲۱)

(ب) شگردها و شیوه‌های مبارزه‌ی دشمنان برای تضعیف مبانی مکتب اسلام:

دشمنان اسلام پس از شکست در تضعیف رهبری الهی و ناتوانی در ساقط نمودن او از حاکمیت سیاسی برای مبارزه با مبانی مکتب الهی آماده می‌شوند تا دژ مستحکم آیین الهی را در برابر خودشان از بین ببرند. قرآن کریم، این موضوع را چنین می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/۳۲)

برخورد دشمن با دین و مذهب و مبانی مکتب نیز دارای شکل ثابتی نمی‌باشد. بلکه دشمن همواره در طول تاریخ حسابگرانه وارد عمل شده و به راهکارهای گوناگونی ممکن است روی بیاورد که عبارت‌اند از:

۱- استفاده از سوژه‌های مذهبی: صاحب تفسیر نمونه در مورد ماجرا مسجد ضرار می‌نویسد: داستان مسجد ضرار درسی است برای



عموم مسلمانان در سراسر تاریخ زندگیشان، گفتار خداوند و عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به روشنی نشان می‌دهد که مسلمانان هرگز نباید آن چنان ظاهرین باشند که تنها به قیافه‌های حق به جانب نگاه کنند و از اهداف اصلی بی‌خبر و بر کنار مانند. استفاده از «مذهب بر ضد مذهب» چیز تازه‌ای نیست، همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه‌های جبار و منافقان، در هر اجتماعی این بوده که اگر مردم گرایش خاصی به مطلبی دارند از همان گرایش برای اغفال و سپس استعمار آنها استفاده کنند و حتی از نیروی مذهب بر ضد مذهب کمک بگیرند.

۲- تهمت‌های گوناگون: قرآن کریم به برخی از این تهمت‌های دشمن اشاره می‌کند از جمله:

- (الف) ارتجاعی و افسانه دانستن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انعام/۲۵)
- (ب) دروغ و افترا دانستن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتَهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (احقاف/۸)
- (ج) تحیل و رؤیا دانستن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) «بَلْ قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ» (انبیاء/۵)

(د) سطحی و بی‌ارزش دانستن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و... «وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انفال/۳۱)

۳- شریعت سازی: مسلمانان باید بسیار مواظب و مراقب اعمال خود باشند؛ چون این که گاهی دشمن در لباس مذهب و با اسلحه دین به جنگ دین و مذهب مجهز می‌شود! از این رو، وقتی به تاریخ اسلام مراجعه می‌کنیم با انبوهی از مذاهب ساختگی دشمن مواجه می‌شویم که تنها برای ضربه زدن به «اسلام ناب» نهادینه شده‌اند. نمونه‌ی بارز این حرکت دشمن را می‌توان در پیدایش و ظهور برخی از مکاتب و فرقه‌های نوظهور از جمله بهائیت و وهابیت که ساخته و پرداخته‌ی دشمن است مشاهده نمود. امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، در تبیین این شیوه پلید دشمنان، تمام مسلمان جهان را به خطر تشکیل اسلام آمریکایی هشدار می‌دهد. همچنین در وصیتشان به عموم مسلمانان چنین می‌فرمایند: «صهیونیسم و بهابیت به وجود آمده، که مردم را گمراه کند و از احکام و تعالیم اسلام دور سازد... و همچنین می‌فرماید: «و اخیراً قدرت‌های شیطانی بزرگ به وسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرت‌ها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حيله شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند....»

۴- اقدامات ضد تبلیغی «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ» (فضلت/۲۶)

۵- بدگویی و عیب جویی «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه/۱۲)

۶- تمسخر و تحقیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۱۲۰)، «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/۵۸)

۷- تخریب پایگاه‌های مکتب «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (البقره/۱۱۴)

۸- جنگ و ستیز با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و تاریخ معاصر استمرار به کارگیری این شیوه توسط دشمنان اسلام به خوبی آشکار می‌گردد؛ تنها در مدت بیست و سه سال دوران رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیست و شش غزوه و سی و شش سرته



رخ می دهد. در مدت کوتاه چهار سال حکومت امام علی (علیه السلام) سه جنگ بزرگ «جمل، صفین و نهروان» به وقوع می پیوندد و در زمان امام حسین (علیه السلام) واقعه‌ی خونین عاشورا به وجود می آید و جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، بهترین گواه از تاریخ معاصر بر این حقیقت است.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «... وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا.....» (بقره/۲۱۷)

۹- تلاش برای گمراه کردن پیروان مکتب توحیدی از طریق صرف هزینه‌های کلان «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ» (نساء/۴۴)

۱۰- اشاعه فساد، نشر اکاذیب و پخش شایعات «... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (انعام/۱۴۴)

۱۱- اختلاف افکنی و تفرقه انگیزی «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُمْ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۴)

۱۲- محاصره اقتصادی «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الضَّالِّينَ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون/۷)

۱۳- تحقیر و کوچک شمردن «قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ» (شعرا/۱۱۱)

۱۴- اعزاز عوامل نفوذی و جاسوسی «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمُ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالظَّالِمِينَ» (توبه/۴۷)

۱۵- تضعیف روحیه مسلمانان «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۳)

۱۶- تبلیغات سوء «لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُخَارُجُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/۶۰)

۱۷- تهدیدها و جنگها «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَنْتَرُ مُوسَىٰ وَ قَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَتَقْبَلُونَ مِنْهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف/۲۰۶)

۱۸- ترویج فرهنگ استعماری «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف/۵۴)

شیوه‌های مبارزه با دشمنان از دیدگاه قرآن کریم:

هنر قرآن، این کتاب هدایت و سعادت، افزون بر معرفی دشمن و شیوه‌های او شناساندن راه مقابله با آن نیز می باشد بنابراین قرآن کریم، پس از آشنایی با صفات و شیوه‌های دشمنی دشمنان و آثار شوم پیروی از آنها، راه مقابله با آنها را نیز بیان می فرماید. لذا قرآن برای مقابله با نقشه‌های دشمنان اسلام و مسلمانان، راهکارهایی را ارائه نموده است از آنجا که قرآن کریم ما را به استوارترین راه‌ها هدایت می کند، قطعاً شیوه‌هایی را که برای مبارزه با دشمنان معرفی می کند از استحکام و تأثیر لازم برخوردار است. قرآن کریم در مقابله با هر کدام از دشمنان، شیوه و روش مخصوص به آن دشمن را به ما می آموزد به عبارت روشنتر، راه مقابله با شیطان، نفس، کفار و... به صورت جداگانه به مسلمانان می آموزد و هم چنین، در مقابل هر روش دشمن، راه مقابله‌ای قرار می دهد به طور مثال برای مقابله با دین زدایی و گسترش فساد و ایجاد گمراهی در بین مسلمانان، تقویت بصیرت و صبر و تقوی، این سلاح



دفاعی بسیار مناسب را به ما معرفی می نماید و یا در مقابل اختلاف افکنی تحریف و تبلیغ دشمنان، اتحاد و همبستگی مسلمانان و مبارزه فرهنگی به وسیله آموزه های قرآنی را، بهترین حربه معرفی می نماید. ما در این بخش، از آن جایی که بحث «شیوه های مبارزه با دشمنان از دیدگاه قرآن»، موضوعی وسیع است و قابلیت انجام تحقیق و بررسی جداگانه را دارد لذا تنها به برخی از این شیوه ها و روش ها پرداخته و پیشنهاد می شود این موضوع در پروژه دیگری انجام گرفته و به ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

(الف) شیوه و روش قرآن کریم در مقابله با شیطان: (۱) ایمانوتوکل (۲) ترک معصیت (۳) پناه بردن به خدا
(ب) شیوه و روش قرآن کریم در مقابله با نفس: (۱) تزکیه نفس (۲) ذکر نام خدا (۳) به جا آوردن نماز (۴) خود را به خدا سپردن
(ج) شیوه و روش قرآن در مقابله با کفار و مشرکان و یهودیان:

(۱) قطع هرگونه ارتباط و دوستی (۲) صبر و تقوا (۳) اعلان موضع صریح مبنی بر بی زاری از آن ها
(۴) مبارزه فرهنگی به وسیله قرآن کریم (۵) مجهز شدن به سلاح روز (۶) مبارزه قهرآمیز و جهاد با دشمنان
(د) شیوه و روش قرآن در مقابله با منافقان:

(۱) افشاگری؛ (۲) قطع رابطه؛ (۳) اتحاد و برادری؛ (۴) بصیرت دینی؛ (۵) حذر (هوشیاری و احتیاط)؛ (۶) مبارزه قهرآمیز و جهاد
به طور کلی می توان گفت با وجود اینکه، منافقان خطرناک ترین دشمن اسلام بودند، از آن جا که آنها ظاهراً دم از اسلام می زدند و با مسلمانان کاملاً درآمیخته بودند، لذا ممکن نبود همچون یک کافر با آنها رفتار کرد و بر اساس آیات قرآن کریم مهم ترین اصول و الگوهای رفتاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با پدیده ی نفاق جهاد (تویخ و سرزنش، تهدید و انذار، رسوا ساختن و در بعضی موارد تألیف قلوب)، غلظت (قاطعیت و سختگیری درباره ی مکتب نه بدخلقی و تعدی از عدل)، مدارا، موعظه، افشاگری، انذار و تهدید، حذر (هوشیاری و احتیاط)، اعراض (رویگردانی و نادیده انگاری) و دعوت به تدبیر در قرآن کریم بوده است.

نتیجه گیری

نفوذ در جامعه اسلامی همیشه در دستور کار دشمنان بوده ولی با ناامیدی دشمنان در براندازی جوامع اسلامی، نفوذ به اولویت اول آنان تبدیل شده و در دستور کار جدی دشمنان قرار گرفته است امروزه ضرورت توجه به نفوذ برای مردم و بالأخص برای مسئولین بیش از پیش ضرورت و اهمیت پیدا نموده است.

قرآن کریم روشهای نفوذ دشمن را شامل؛ ایجاد خلل در باورهای انقلابی و دینی مردم و مسئولین، ترویج فساد و بی بندوباری در بین مردم و جوانان، توطئه و اغتشاش، عملیات روانی (تطمیع، تهدید و فریب)، تحریک قومی و مذهبی و مذاکره با دشمنان بیان نموده است.

از دیدگاه قرآن؛ نفوذ دشمن منجر به از بین رفتن منافع کشور، غارت اموال، منابع و سرمایه ها، ذلت، خواری و تحقیر و استحاله، خودباختگی، دگرگونی فرهنگی، تضعیف کشور و تسلط سیاسی بر آن، متوقف ساختن انقلاب و جلوگیری از سازندگی و ایجاد نارضایتی و ناراحتی در بین مردم خواهد شد. برای مقابله با نفوذ دشمن نیز قرآن راهکارهایی را پیشنهاد نموده که عبارتند از:

- ایمان و توکل
- ترک معصیت
- تزکیه نفس
- اعلان موضع صریح مبنی بر بی زاری از آن ها



- مجهز شدن به سلاح روز
- مبارزه قهرآمیز و جهاد با دشمنان
- حذر (هوشیاری و احتیاط)
- مبارزه قهرآمیز و جهاد
- بصیرت دینی

منابع

-قرآن کریم

- فرهادی، علی (1395) سناریوهای نفوذ نرم در نیروهای مسلح، مرکز مطالعات راهبردی نهجا.
- جوادآملی، عبدالله، (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم (چاپ پنجم). قم: اسراء.
- اسماعیلی، رفیع الدین و اسکندری، علی (۱۳۹۵ش). جریان شناسی نفوذ فیمینسم نر سینمای ایران، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن حریر. (۱۴۱۷ق). المیزان فی التفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۴/۰۷/۲۰). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و مدیران صدا و سیما. برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۵/۰۹/۲۷). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). فرهنگ معاصر. تهران.
- غرسبانی مرتضی، صفریان غلامرضا (۱۴۰۰). بررسی چالش های مقاومت اسلامی در عرصه داخلی و راه حل های قرآنی برای مقابله با آن.

13th International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

Archive of SID

21 September 2023 - Tehran

سیزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ شهریور ۱۴۰۲ - تهران



-سلطانی مرتضی، (۱۴۰۰). بررسی تاکتیک های نفوذ دشمن در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم.

-موسوی اینجدان سیدمحمد باقر، (۱۴۰۰). راهبرد های مقابله پیامبر اکرم(ص) و جامعه اسلامی در برابر دشمنان از نگاه قرآن کریم.

-بابایی محمد باقر، (۱۳۹۵). راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن.

-فرهادی علی، رودباری علیرضا، (1399) نفوذ و مقابله با آن مبتنی بر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی).

-کرمی رضا، شهلائی ناصر، (۱۳۹۱). راهبرد های مقابله با تهدید نرم دشمن در حوزه اجتماعی و فرهنگی.

وبگاه ها

- <http://aghigh.ir/fa/news>
- <http://khamenei.ir>
- <http://www.imam-khomeini.ir>
- <https://fa.wikishia.net>
- <http://ensani.ir/>
- <https://quran.inoor.ir/>
- <https://amoozesh.ismc.ir/>